

نقد و بررسی لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق کودک

Scrutiny of Juvenile Pprocedure Draft in View Point of International Documents on the Right of the Child

A. Dehghani ✉

علی دهقانی ✉

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم)

Abstract

"Juveniles with having sensitive qualifications of the physical and emotional growth and necessity of differential treatment to them, in case of committing crime or delinquency in one side and destructive effects and damages of entrance in adult criminal procedure on the other side, has been caused that criminal justice authorities make important decision and with taking different methods try to rehabilitate juveniles and prevent them to recommit crimes and with providing differential criminal procedure take step to socialize juvenile.

چکیده:

برخورداری کودکان و نوجوانان از شرایط حساس دوران رشد و ضرورت برخوردی متفاوت با آنها در صورت ارتکاب رفتارهای مخالف اوامر و یا نواهی قانون‌گذار، از یک طرف و آثار مخرب و جبران‌ناپذیر ورود این اشخاص به دادرسی کیفری بزرگسالان، موجب شده است تا مسئولان و دست‌اندرکاران عدالت کیفری در این خصوص چاره‌اندیشی کنند و با اتخاذ شیوه‌هایی متفاوت در مقام اصلاح و پیشگیری از فرو غلطیدن آنان در ورطه بزهکاری برآمده و با پیش‌بینی نظام دادرسی کیفری افتراقی در راستای باز اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان گام بردارند.

✉ Corresponding author: Faculty of Law, Shahid Beheshti University (G. C.)
Tel: +9821-88759789
Fax: +9821-88759789
Email: ali.dhghn@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: خ شهید مطهری، خ میرعماد، مجتمع قضایی شهید صدر، شعبه ۴۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران
تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۵۹۷۸۹-۰۲۱ دورنما: ۰۲۱-۸۸۷۵۹۷۸۹
پست الکترونیکی: ali.dhghn@yahoo.com

International human rights documents and the united nation's guidances has undeniable role in accepting this approach. Juvenile procedure draft which has been provided by judiciary power under section 2 of article 158 of constitution, and after ratifying by government is unedr review in legal and judicial commission of Islamic Consultative now, could be assumed as an effoert of islamic republic of Iran in coincidence with international undertakings which arises of acception and ratification of universal convention on the Rights of the Child (1994). in this article, at first, the priciple, Goals and obligations of special juvanile procedure will survey and then the juvenile procedure draft will survey in viewpoint of international documents on the right of the child."

KeyWords: juvenile, juvenile procedure, international documents on the right of the child, international obligations.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر و رهنمودهای سازمان ملل متحد در اتخاذ این رویه از سوی دولت‌ها تأثیری غیرقابل انکار داشته است. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که در اجرای بند دوم از اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی از سوی قوه قضاییه تهیه و پس از تصویب دولت، اکنون در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از تلاش جمهوری اسلامی ایران در جهت انطباق با تعهدات بین‌المللی ناشی از تصویب و الحاق به کنوانسیون جهانی حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ محسوب گردد. این تحقیق در ابتدا مبانی، اهداف و الزامات دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان را مورد بررسی قرار داده و سپس لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان را در پرتو اسناد بین‌المللی حقوق کودک، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کودک، نوجوان، دادرسی ویژه، اسناد بین‌المللی حقوق کودک، الزامات بین‌المللی

مقدمه

قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب دهم آذرماه ۱۳۳۸ مشتمل بر سی و سه ماده با الهام از اندیشه‌های مترقی در زمان خود و متأثر از یافته‌های نوین علوم جزایی و جرم‌شناسی، به عنوان اولین قانون جامع در حقوق کیفری شکلی اطفال و نوجوانان، به تصویب رسید. لیکن اجرای این قانون با توجه به مقررات مواد ۱ و ۳۰ این قانون که مقرر می‌نمود در نقاطی که کانون اصلاح و تربیت به ترتیب مقرر در فصل چهارم این قانون تشکیل نگردیده، طبق قانون مجازات عمومی تعیین کیفر خواهد شد و این‌که اجرای قانون را به تصویب آیین‌نامه‌های مربوط موکول نموده بود، اجرای آن به سال ۱۳۴۷ یعنی زمان تصویب آیین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و

تربیت مصوب ۱۳۴۷/۷/۹ موکول شد. اما پس از انقلاب اسلامی و با توجه به تعدد اقدامات تقنینی که در راستای انطباق قوانین و مقررات با موازین شرع به عمل آمد، عملاً دادگاه‌های اطفال از تشکیلات قضایی کنار گذاشته شدند^۱، تا این‌که به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶-۱۳۶۴/۲/۲۳، به طور کلی دادگاه‌های اطفال حذف و وظایف آن به دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و سپس به موجب قانون‌گذاری‌های مؤخر به دادگاه‌های عمومی و انقلاب واگذار گردید. در این مرحله از تقنین، با توجه به تصویب قانون، اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، به صورت کم‌رنگ به ضرورت تشکیل دادگاه اطفال یا اختصاص شعبه‌ای برای اطفال تصریح شده است. ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ از تخصیص شعبه یا شعبی برای رسیدگی به جرائم اطفال نام برده است. هر چند که این اقدامات را به‌گونه‌ای واقعی نمی‌توان در راستای عمل به تعهدات بین‌المللی دانست، لیکن به قطع و یقین بی‌تأثیر از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی در این زمینه نبوده است. در سال ۱۳۷۸ قانون‌گذار در قانون آزمایشی قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، فصل پنجم از باب دوم را تحت عنوان ترتیب رسیدگی به جرائم اطفال، به ایجاد دادگاه‌های اطفال - که شعبی از دادگاه‌های عمومی می‌باشند - و چگونگی رسیدگی به جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان اختصاص داده است. با توجه به ضرورت تصویب قانونی جامع در خصوص شیوه رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان و در راستای هماهنگی با تعهدات بین‌المللی ناشی از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، در رعایت قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، قوه قضاییه در اجرای بند دوم از اصل یک‌صد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان را تهیه نمود^۲. اتخاذ رویکرد افتراقی توأم با مدارا و گذشت نسبت به جرائم ارتكابی کودکان و نوجوانان متأثر از مبانی و نیز به دنبال تحقق اهدافی است که در ادامه بحث و در قالب دو مقدمه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مقدمه یکم: مبانی دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان

تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه: حق برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه^۳ که به عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از اشخاص در برابر محروم کردن یا محدود کردن آزادی و حقوق اساسی آن‌ها شناخته می‌شود، مفهومی عام است که اسناد مهم بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به تفصیل سازوکارهایی را برای اعمال این حق و ضوابط تضمین آن‌ها پیش‌بینی نموده‌اند. دادرسی عادلانه و منصفانه را می‌توان مشتمل بر شناسایی حقوقی برای متهم و نیز پیش‌بینی تضمین‌هایی برای رعایت آن‌ها دانست که بدون تحقق آن‌ها دادرسی کیفری نمی‌تواند منتهی به اجرای عدالت شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۴). برخی از اندیشمندان، دادرسی عادلانه و منصفانه را به عنوان اصل

حقوق بشری و به منزله ستون فقرات حق‌ها و تضمینات رویه‌ای دانسته‌اند که اصولی هم‌چون بی‌طرفی و استقلال و برابری صلاح‌ها در ذیل آن قرار می‌گیرند و در نهایت تضمینات رویه‌ای به دادرسی عادلانه منتهی می‌شوند (سیدفاطمی، ۱۳۸۸). مصادیق این اصل در دادرسی کیفری اشخاص بزرگسال را می‌توان فرض برائت، دادگاه صالح و مستقل، قاضی بی‌طرف و مستقل، معقول بودن دادرسی، اصل آزادی و منع بازداشت، ضرورت تفهیم اتهام، حق بهره‌مندی از وکیل مدافع، مستدل بودن رأی دادگاه و حق اعتراض و تجدیدنظر، دانست. اما در خصوص کودکان و نوجوانان به لحاظ وضعیت خاص آن‌ها، علاوه بر تضمین‌های مذکور، تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه، نیازمند پیش‌بینی سازوکارهایی است که بدون پیش‌بینی و تضمین آن‌ها و یکسان انگاشتن کودکان و نوجوانان با اشخاص بزرگسال، این مهم با چالش مواجه خواهد شد. این سازوکارها را می‌توان در برخورداری از دادسرا، دادگاه ویژه و تخصصی با قضاوت آموزش دیده و مجرب و حضور مشاور و مددکار اجتماعی در مرجع قضایی، ترمیمی نمودن دادرسی کیفری و هم‌چنین رعایت اصل سرعت و غیر علنی بودن در جهت رعایت حریم خصوصی کودکان و نوجوانان و در نهایت اعمال واکنش‌های کمتر قهرآمیز و متفاوت با بزرگسالان دانست. دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص پرونده دو نوجوان که به جرم قتل یک کودک ۳ ساله در دادگاه کیفری بزرگسالان به زندان محکوم شدند، به این نتیجه رسید که به علت ناعادلانه بودن دادرسی و ماهیت «ارباب‌انگیز» دادگاه بزرگسالان که مانع مشارکت متهمان در دفاع خود بوده، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۵ نقض شده است. به علاوه نگهداری در زندان به معنای نقض ماده ۴۵ بوده، زیرا متهمان هیچ‌گونه شانس برای اعتراض به تداوم بازداشت خود از نظر قانونی نداشتند (مهرا، ۱۳۸۲).

تأمین مصالح عالی کودکان و نوجوانان: بند ۴ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر نموده است: «آیین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت آنان را بنماید». مصالح عالی یا منافع عالی که پیمان‌نامه حقوق کودک به مناسبت‌های مختلف از آن نام برده است، مفهومی عام و کلی است.^۶ متفاوت بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در راستای تأمین مصالح عالی کودک و نوجوان می‌باشد. ماده ۳ پیمان‌نامه حقوق کودک در بند ۱ مقرر نموده است: «در کلیه اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی دولتی یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا نهادهای قانون‌گذاری به عمل می‌آید، مصالح عالی کودکان از اهم ملاحظات می‌باشد»^۸. پیش‌بینی سازوکارهای دقیق دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان و تضمین رعایت آن‌ها در نهایت باید کودکان و نوجوانان بزهکار یا به تعبیر دیگر معارض قانون را به باز اجتماعی شدن و بازگشت به اجتماع و ایفای نقش مؤثر و سازنده در آینده رهنمون گردد. بند ۱ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک برای کودک مجرم، متهم یا مظنون به نقض قوانین

کیفری این حق را به رسمیت شناخته است که شیوه برخورد با او موجب اعتلای مفهوم شرف و ارزش در ذهن کودک گردیده و از سقوط وی در ورطه بزهکاری تا حد امکان پیشگیری نماید^۹. مفهوم اخیر را می‌توان از اهداف مهم دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان دانست.

مقدمه دوم: اهداف دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان

پیشگیری از برچسب‌زنی: مطابق آموزه‌های جرم‌شناسی برچسب‌زنی و روان‌شناسی کودک و نوجوان، انگ و برچسب مجرم یا بزهکار بر کودک و نوجوان موجب پذیرش این نقش از سوی او و سوق دادن کودک به سوی ایفای همان نقش در اجتماع می‌شود. این امر در خصوص تحصیل و آموزش در آزمون- موسوم به پیگ‌مالیون (Pygmalion) در مورد کودکانی که «نابغه» نسبت داده شدند و کودکانی که «کودن» یا «احمق» به آن‌ها نسبت داده شده بود، در جهت‌گیری رفتارهای بعدی و ایفای نقش آنان در راستای صفت اسنادی، مؤثر بوده است (صدیق بطحایی اصل، ۱۳۸۱). در خصوص کودکان معارض با قانون نیز، برچسب‌زنی زیر عناوین منحرف، بزهکار و بزهکار بالفطره غالباً موجب می‌شود که الگوی رفتاری ثابت و ناپسند برای آن‌ها پدید آمده و در وجود آنان پایدار گردد. رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (رهنمودهای ریاض) در بخش مربوط به اصول بنیادین مقرر نموده است: «از برچسب مجرمانه زدن و مجازات کودک به دلیل رفتاری که موجب آسیب جدی به جریان رشد او یا صدمه دیگران نمی‌شود، احتراز گردد».

پیشگیری از تکرار جرم: مقررات دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان از زمان طرح اتهام و حتی قبل از آن یعنی از زمانی که اقدامات دولت بر وضعیت شخص درگیر در قضیه مجرمانه تأثیر دارد، تا اجرای حکم و پس از اجرای حکم باید به گونه‌ای باشد که کودک را به سوی اجتماع و بازپذیری اجتماعی سوق داده و از تکرار جرم توسط کودک و نوجوان جلوگیری شود. مراقبت‌های پس از خروج در خصوص نوجوانان محروم از آزادی و توسل به اقدامات ارفاق‌آمیز از قبیل: امکان تجدیدنظر در حکم صادره در صورت بروز علائم اصلاح در کودک و نوجوان، توسل مکرر و پیش از موعد به آزادی مشروط؛ تعویق صدور حکم، در پیشگیری از تکرار جرم و باز اجتماعی شدن کودک و نوجوان تأثیری غیرقابل انکار دارد. جرائم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به گونه‌ای است که معمولاً جرم، به علت عدم آگاهی و عدم توجه به نتایج حاصله از اعمال ارتكاب یافته و یا به دنبال احساسات و عواطف و بدون سبق تصمیم و پیش‌بینی صورت می‌پذیرد. از این‌رو، اتخاذ تدابیر مناسب توأم با مدارا و لحاظ نمودن جنبه‌های تربیتی می‌تواند در جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران اتفاقی به بزهکاران حرفه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد (نجفی‌توانا، ۱۳۸۲).

گفتار یکم: الزامات دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان در اسناد بین‌المللی حقوق کودک

تعیین سن مسئولیت کیفری:

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک مقرر نموده است: «از نظر پیمان نامه حاضر منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر این که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد». معیار مشخص بین‌المللی برای سنی که در آن می‌توان یک نوجوان را از نظر عقل و منطق دارای مسئولیت کیفری دانست، وجود ندارد. اما مقررات پکن در این زمینه مقرر می‌نماید: «سن مسئولیت کیفری نباید بسیار پایین تعیین شود و لازم است واقعیات مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی کودک را در نظر بگیرد». کمیته حقوق کودک^۱ در بخش ملاحظات نهایی پیرامون گزارش‌های دولت‌ها به مطلوبیت تعیین بالاترین سن ممکن به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری اشاره دارد. به خصوص این کمیته از کشورهایی انتقاد می‌کند که سن فوق را در حد ده سال یا کمتر تعیین کرده‌اند. البته قابل ذکر است که سن تعیین شده هرگز به خودی خود نشانگر نحوه رفتار با کودکی که مرتکب جرم شده است، نمی‌باشد. مثلاً در اسکاتلند که سن مسئولیت کیفری در میان پایین‌ترین موارد مورد بررسی (یعنی ۸ سال) قرار دارد، سیستم تصاعدی «حضور اطفال در محاکم» به‌گونه‌ای طراحی شده است که از تماس نوجوانان زیر شانزده سال با محاکم رسمی مگر در مورد جرائم بسیار سنگین اجتناب شود و به شکلی بنیادین با راه‌حلهایی غیر از سلب آغاز می‌شود. کودکی که به این مرحله رسیده باشد عملاً به دادگاه آورده می‌شود و ممکن است همانند بزرگسالان برای جرم مشابه به حبس محکوم شود (اینونچنتی دایجست، ۱۹۹۸). با این وجود، کمیته موضوع ماده ۴۳ کنوانسیون که بر عملکرد دولت‌های عضو از حیث پیشبرد اجرای کنوانسیون نظارت دارد، همواره نگرانی شدید خود را از پایین بودن سن مسئولیت کیفری در برخی از کشورها ابراز داشته است. به عنوان مثال کمیته در مورد کشور سریلانکا که سن مسئولیت را ۸ سالگی قرار داده، ابراز نگرانی کرده و در مورد دولت بریتانیا اظهار داشته است: «سن پایین مسئولیت کیفری با مواد ۳۷ و ۴۰ کنوانسیون هماهنگ به نظر نمی‌رسند» (مهرا، ۱۳۸۲).

افتراقی بودن نظام دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان

افتراقی بودن نظام دادرسی کودکان و نوجوانان به مفهوم رعایت اقتضانات خاص دوران کودکی و نوجوانی تناسب تدابیر و اقدامات با این دوران است. وجوه این افتراق را می‌توان در دادسرا و دادگاه تخصصی، قضات آموزش دیده و مجرب، پلیس ویژه کودکان و نوجوانان، ترمیمی نمودن دادرسی کودکان و نوجوانان، بازداشت به‌عنوان آخرین راه چاره، برخورداری از وکیل مدافع، رعایت سرعت در دادرسی و حفظ حریم خصوصی کودک و نوجوان و پیش‌بینی نهادهای کیفری ارفاق‌آمیز، جستجو

کرد. به طور مسلم، تحقق نظام دادرسی افتراقی متناسب با شرایط هر جامعه می‌تواند گامی بلند در جهت تأمین مصالح عالی کودکان و نوجوانان محسوب شود. در این‌جا به بررسی وجوه افتراق دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود.

دادسرا و دادگاه تخصصی: به منظور حمایت از منافع و مصالح عالی کودکان و نوجوانان معارض با قانون و علی‌رغم این‌که اصل تساوی اشخاص در برابر قانون مانع از تشکیل دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به اتهامات برخی اشخاص می‌باشد، دستاوردهای علوم جنایی و آموزه‌های جرم‌شناسی و هم‌چنین توصیه اسناد بین‌المللی موجب گردیده است تا غالب کشورها در نظام قضایی خود، تشکیلات خاص و ویژه‌ای را برای رسیدگی به اتهامات کودکان و نوجوانان پیش‌بینی نمایند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۳). اولین دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اطفال در سال ۱۸۹۹ در بخش کوک ایالت ایلینویز در کشور ایالات متحده آمریکا تأسیس گردید (گلدوست جویباری و سیداصفهان‌ی، ۱۳۸۳). از سال ۱۹۸۰ به تعبیر برخی اندیشمندان نوعی انقلاب خاموش در عرصه اعمال و مدیریت عدالت کیفری اطفال رخ داده است (مهرا، ۱۳۸۲). در طی یک دهه چهار سند بین‌المللی در این خصوص تهیه و تنظیم شد: کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)؛ قواعد سازمان ملل متحد برای مدیریت و اعمال عدالت کیفری اطفال (قواعد پکن) ۱۹۸۵؛ قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از صغار محروم از آزادی ۱۹۹۰؛ اصول راهبردی سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری صغار (اصول ریاض) ۱۹۹۰.

قضات آموزش دیده: صرف وجود تشکیلات قضایی خاص بدون حضور قضات آموزش دیده و مجرب برای تأمین اهداف دادرسی ویژه نوجوانان و تأمین منافع آن‌ها کافی نخواهد بود. در این راستا آموزش به عنوان رکن مهم در دادرسی کودکان و نوجوانان مورد توجه اسناد بین‌المللی واقع شده است. قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادگستری نوجوانان (مقررات پکن) مقرر نموده است: «تحصیلات تخصصی، آموزش ضمن خدمت، دوره بازآموزی و سایر طرق آموزشی در جهت ایجاد و حفظ صلاحیت حرفه‌ای ضروری کلیه کارکنان مرتبط با پرونده‌های نوجوانان به‌کار گرفته خواهد شد».

پلیس ویژه و دارای اختیارات قانونی: پلیس به عنوان اولین مرجع حضور کودک و نوجوان یا اولین مرحله مواجهه کودک و نوجوان پس از وقوع یا اعلام جرم در تحقق اهداف دادرسی ویژه و افتراقی کودکان و نوجوانان و تأمین منافع عالی آن‌ها در دادرسی و ایفای نقش مثبت و سازنده در آینده و جلوگیری از فرو غلطیدن آن‌ها در ورطه بزهکاری، نقش اساسی و سازنده‌ای را بر عهده دارد. در همین راستا بند ۱۲ مقررات پکن مقرر نموده است: «به منظور انجام بهینه وظایف خود، مأموران انتظامی که غالباً یا منحصراً در رابطه با نوجوانان فعالیت دارند، تعلیمات و آموزش ویژه دریافت

خواهند داشت. در شهرهای بزرگ، واحدهای ویژه پلیس باید بدین منظور ایجاد گردد». کنوانسیون حقوق کودک، به صراحت تأسیس پلیس ویژه کودکان و نوجوانان را مورد حکم قرار نداده است، اما در بند ۳ ماده ۴۰ از کشورهای عضو خواسته است تا در راستای تأسیس نهادها و مراجعی که به کودکان و نوجوانان مظنون و متهم اختصاص دارند، تلاش کنند. با این وجود، همواره باید در راستای جلوگیری از درگیر شدن کودکان و نوجوانان با فرایند رسمی دادرسی کیفری - به لحاظ آثار سوء آن کوشش نمود.

رویکرد حداقلی به نظام دادرسی کیفری رسمی (ترمیمی نمودن دادرسی کودکان و

نوجوانان): به دلیل آثار منفی و سوء درگیر شدن کودک و نوجوان در فرآیند دادرسی رسمی، اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک در راستای ترمیمی نمودن دادرسی کودکان و نوجوانان رهنمودهایی را مقرر نموده است. مقررات پکن در بند یازدهم تحت عنوان قضاودایی مقرر نموده است: «برخورد با بزهکاران نوجوان، در موارد مقتضی، بدون توسل به محاکمه رسمی توسط مرجع ذیصلاح مورد بررسی قرار خواهد گرفت». همچنین مقرر گردیده است: «نیروی انتظامی، دادستانی یا سایر نهادهای رسیدگی به پرونده‌های نوجوانان، دارای اختیار قانونی خواهند بود تا در مورد این‌گونه پرونده‌ها بنا به صلاحدید خود، بدون ارجاع به رسیدگی‌های رسمی، مطابق ضوابطی که بدین منظور در نظام قضایی مربوطه مقرر گردیده و همچنین مطابق اصول مصرح در مقررات حاضر تصمیم‌گیری نمایند». راه‌کارهایی که می‌توان در مقررات دادرسی کودکان و نوجوانان در جهت ترمیمی نمودن عدالت کیفری به کار بست عبارتند از: تعلیق تعقیب که مستلزم عدم وجود شاکه خصوصی یا گذشت وی و جبران خسارت زیان دیده می‌باشد؛ میانجی‌گری که مستلزم ارجاع موضوع کیفری به یک شخص ثالث به عنوان میانجی‌گر است و با تلاش و مساعی خود زمینه را برای حل و فصل مسالمت‌آمیز قضیه فراهم می‌کند و بایگانی پرونده. در کشورهای دیگر و از جمله انگلستان از نظام هشدار یا اخطار رسمی پلیس^{۱۱} تا سال ۱۹۹۳ و تغییر سیاست‌ها در قلمرو بزهکاری اطفال استفاده می‌شده است (پاک‌نهاد، ۱۳۸۵).

بازداشت به عنوان آخرین راه چاره: به لحاظ آثار سوء بازداشت بر کودک و نوجوان بند ب

ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک مقرر نموده است: «دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان آخرین راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد^{۱۲}». بند ۱۳ مقررات پکن نیز بازداشت موقت را به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن مقرر نموده است. مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز بازداشت را محدود به شرایط استثنائی دانسته و مقرر نموده است که کلیه مساعی باید در جهت به‌کارگیری دیگر اقدامات جایگزین به کار گرفته شود. با این حال در موارد بازداشت، برترین اولویت را برای

رسیدگی هر چه سریع‌تر به این‌گونه دعاوی قائل گردند. در سال ۱۹۹۷ سازمان دیده‌بان حقوق بشر گزارش داد که در کشور کنیا، پلیس کودکان خیابانی را به طور خودسرانه به مدت چند روز یا چند هفته بازداشت می‌کند و طی این مدت مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد. «گشت‌های پلیس ویژه جمع‌آوری کودکان، با به کار بردن خشونت و بی‌توجهی به سلامت کودکان، که غالباً به هنگام بازداشت مورد بی‌احترامی، خشونت و ضرب و شتم قرار می‌گیرند، اقدام به این کار می‌کنند. کودکان خیابانی پس از دستگیری در شرایط فیزیکی اسفناک در سلول‌های شلوغی نگهداری می‌شوند که اکثراً فاقد توالت و خوابگاه است و وضع تغذیه و آب آنان نیز اسفناک است» (مهرا، ۳۸۲).

حق برخورداری از وکیل مدافع: پیمان‌نامه حقوق کودک در بند ۲ قسمت ب ماده ۴۰ به حق کودک در مظان اتهام مبنی بر برخورداری از مساعدت حقوقی برای تهیه و ارائه دفاعیه خود تصریح نموده است. مقررات پکن نیز به حق کودک و نوجوان بر بهره‌مندی از خدمات مشاور حقوقی و معاضدت حقوقی رایگان اشاره دارد (بند ۱ ماده ۱۵). مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی نیز در شق الف بند ۱۸ مقرر نموده است: «نوجوانان باید از حق مشاوره حقوقی برخوردار باشند و بتوانند معاضدت حقوقی رایگان، در صورت وجود این‌گونه معاضدت، درخواست نمایند و با مشاوران حقوقی به طور مستمر در تماس باشند. مصونیت از افشا و محرمانه بودن این‌گونه تماس‌ها باید رعایت گردد».

رعایت اصل سرعت در دادرسی: گذشت زمان و طولانی شدن زمان رسیدگی به اتهام کودک و نوجوان باعث می‌گردد که یافتن ارتباط بین دادرسی و تصمیم اتخاذ شده و عملکرد آن از حیث انطباق خود با ارتباط بین دادرسی و تصمیم اتخاذ شده و عملکرد آن از حیث انطباق خود با ارزش‌های اجتماعی، از نظر روانی و عقلی دشوار و غیر ممکن گردد (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۳). در همین راستا ماده ۲۰ از مقررات پکن مقرر می‌دارد: «هر پرونده از بدو امر در اسرع وقت و بدون هرگونه تأخیر غیرضروری تحت رسیدگی قرار خواهد گرفت». بندهای ۲ و ۳ ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک بر اجتناب از تأخیر غیرضروری در رسیدگی به اتهام کودک و نوجوانان تصریح نموده است.

پیش‌بینی نهادهای کیفری ارفاق‌آمیز: با عنایت به اهداف دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان و ضرورت تلاش در جهت باز اجتماعی کردن آنان، در مقررات مربوط به دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان پیش‌بینی نهادهایی هم‌چون تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، امکان تجدید نظر در حکم صادره در صورت مشاهده علائم اصلاح کودک و نوجوان، توسل مکرر و پیش از موعد به آزادی مشروط، اولویت قائل شدن به مؤسسات باز در جهت اصلاح و بازپروری به جای مؤسسات بسته در راستای اجرای کیفر سالب آزادی، از جمله پیش‌بینی‌هایی است که در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک به چشم می‌خورد.

مراقبت پس از خروج: در خصوص کودکان و نوجوانانی که به کیفر سالب آزادی محکوم گردیده‌اند، نظر به هدف و غایت دادرسی ویژه کودکان، مراقبت پس از آزادی در جهت پیشگیری از تکرار جرم، بسیار حائز اهمیت است. ماده ۲۹ مقررات پکن مقرر می‌دارد: «کوشش خواهد شد که بازپروری بعد از خروج از طریق مراکز ارائه خدمات بعد از خروج، مراکز آموزشی، مراکز کارورزی روزانه و سایر تہسیلات مناسب که می‌تواند نوجوانان را در جهت ادغام مجدد در جامعه یاری نماید، فراهم گردد».

گفتار دوم: نقد و بررسی لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان

لایحه رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان با استفاده از دو پیش‌نویس تهیه شده در معاونت حقوقی و پارلمانی وزارت دادگستری و اداره کل حقوقی قوه قضاییه و با الهام از قانون تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ در سال ۱۳۸۱ پس از جلسات کارشناسی با حضور قضات مجرب دیوان عالی کشور و اساتید دانشگاه که از ۱۳۷۹ آغاز شده بود، تهیه و تدوین و در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۳۰ به دولت تقدیم شد (شرح مذاکرات تدوین لایحه دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، شورای عالی توسعه قضایی). پس از بررسی آن در کمیسیون لوایح دولت، به مجلس ارسال که کلیات آن مورد تصویب قرار گرفت و هم‌اکنون در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است.^{۱۳} در این بررسی ابتدا تشکیلات قضایی و اجرایی مندرج در لایحه پیشنهادی را مورد بررسی قرار داده و سپس به بررسی آیین دادرسی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان پرداخته خواهد شد.

تشکیلات: لایحه رسیدگی به جرائم کودکان و نوجوانان از دو دسته تشکیلات در راستای نیل به اهداف مقرر در لایحه نام برده است. برخی از این تشکیلات در نظام دادرسی کنونی دارای سابقه تقنینی است و برخی از آن‌ها همانند مددکاری اجتماعی و پلیس ویژه کودکان و نوجوانان از نوآوری‌های این لایحه محسوب می‌شوند.

تشکیلات قضایی

دادسرای اطفال و نوجوانان: مطابق ماده ۹ لایحه: «در معیت دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و در صورت لزوم یک یا چند دادیار و بازپرس دایر می‌گردد. تعقیب، تحقیق راجع به جرائم اطفال و نوجوانان جز در موارد مندرج در ماده ۱۴ این قانون که مستقیماً توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید، بر طبق این قانون از سوی دادسرا انجام می‌شود». به دلیل اختلاف نظری که در زمان تدوین لایحه از حیث ضرورت مداخله دادسرا در پرونده‌های مربوط به اطفال و نوجوانان بین اعضای

جلسه وجود داشت، چنین راه‌حلی اتخاذ گردید (جزوه). شرح مذاکرات تدوین لایحه دادگاه اطفال و نوجوانان بزهدکار، شورای عالی توسعه قضایی) و مقرر شد شعبه‌ای از دادسرا، وظیفه تعقیب و تحقیق جرائم اطفال و نوجوانان را جز موارد مذکور در ماده ۱۴ را عهده‌دار گردد.

دادگاه اطفال و نوجوانان: ماده ۵ لایحه مقرر نموده است: «دادگاه اطفال و نوجوان از یک قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود». نکته بسیار مهم در خصوص این دادگاه امکان یا عدم امکان تشکیل چنین دادگاهی است. مطابق ماده ۳ لایحه «... تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است به کلیه جرائم اطفال و نوجوانان در شعبه دادگاه عمومی جزایی یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد، مطابق این قانون رسیدگی می‌شود». شیوه نگارش ماده قانونی حکایت از آن دارد که در مدتی کوتاه در سراسر کشور شاهد راه‌اندازی دادگاه اطفال و نوجوانان خواهیم بود ولی به لحاظ مشکلات عملی که دستگاه قضایی با آن مواجه است، عملاً امکان تشکیل چنین دادگاهی در بسیاری از حوزه‌های قضایی وجود ندارد. شایسته است به ویژگی‌های قضات دادگاه‌های جانشین توجه ویژه‌ای شود و دادگاهی که وظایف دادگاه اطفال و نوجوانان را انجام می‌دهد، قاضی رسیدگی‌کننده، آموزش‌های مرتبط با حقوق کودک را فراگرفته باشد، تا بتواند به اهداف لایحه در راستای تأمین مصالح عالی کودکان جامه عمل بپوشاند.

دادگاه کیفری استان، ویژه اطفال و نوجوانان: مطابق ماده ۱۰ لایحه: «چنان‌چه اطفال و نوجوانان مرتکب جرائمی گردند که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، رسیدگی به آن‌ها در دادگاه کیفری استان ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان وفق مقررات این قانون به عمل خواهد آمد».

دادگاه کیفری استان بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و با تصریح به این‌که این دادگاه شعبه‌ای از دادگاه کیفری استان است، ایجاد گردید. اما در عمل به لحاظ مشکلاتی که از بُعد مسافت میان محل وقوع جرم و استقرار دادگاه وجود داشت و این‌که خصوصاً در جرائم منافی عفت که مستقیماً با توجه به تبصره ۳ ماده ۳۰ قانون مذکور باید در دادگاه‌های مربوطه رسیدگی شود، هم‌چنین خلأ قانونی در خصوص انجام وظایف دادرسی در مراکز استان‌ها، رئیس قوه قضاییه با استفاده از اختیار مقرر در تبصره ۳ ماده ۲۰ و از طریق بخشنامه با انتصاب قضات شهرستان‌ها با حفظ سمت به عنوان مستشار دادگاه کیفری استان درصدد حل مشکل برآمد و این در حالی بود که به صراحت تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون مذکور دادگاه کیفری استان شعبه‌ای از دادگاه تجدید نظر مرکز استان است. اما تبصره ۳ ماده ۲۰ که مبنای عمل در این تغییرات بود این‌گونه مقرر نموده است: «برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی، رئیس قوه قضاییه می‌تواند موقتاً امر به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم بدهد...» ایجاد

دادگاه کیفری استان ویژه اطفال نیز با این ایرادات مواجه خواهد بود، هرچند در تبصره ۲ مقرر گردیده است که این دادگاه در شهرستان‌ها نیز ایجاد می‌شود ولی به صراحت قانون این دادگاه‌ها شعبه‌ای از دادگاه تجدید نظر بوده و امکان تشکیل این دادگاه‌ها در محل ارتکاب جرم یا دستگیری متهم مگر در موارد خاص و به صورت موقت وجود نخواهد داشت. در جلسه ۴۲ کمیته تدوین پیش‌نویس لایحه مقرر گردیده بود: «دادگاه اطفال و نوجوانان برای رسیدگی به جرائمی که مستلزم مجازات حبس تعزیری یا بازدارنده بیش از سه سال، قصاص و یا حد باشد با ترکیب سه قاضی و دو مشاور تشکیل می‌شود».

تبصره: قضات اضافه شده به ترکیب دادگاه اطفال توسط رئیس دادگستری شهرستان و از بین قضات دادگاه‌های اطفال انتخاب می‌شوند (جزوه شرح مذاکرات تدوین لایحه دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، شورای عالی توسعه قضایی). به لحاظ عدم توفیق دادگاه کیفری استان از رهگذر مشکلات و مسائل مذکور در پیش‌نویس لایحه آیین دادرسی کیفری، این دادگاه‌ها از نظام قضایی حذف و دادگاه جنایی با ترکیب تعدد قاضی (۳ نفر) در مراکز شهرستان ایجاد خواهد شد^{۱۴}. با توجه به هم زمان بودن رسیدگی به دو لایحه آیین دادرسی کیفری و رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، در مجلس شورای اسلامی اعمال اصلاحات در راستای هماهنگی دو لایحه از حیث پیش‌بینی تشکیلات قضایی، ضروری به نظر می‌رسد.

تشکیلات اجرایی

مددکاری اجتماعی: ماده ۵۱ لایحه با وقوف به نقش حساس مددکاران اجتماعی در روند دادرسی اطفال و نوجوانان مقرر نموده است که تشکیلاتی تحت عنوان مددکاری اجتماعی ایجاد گردد. وظایفی که مقررات لایحه بر عهده مددکاران اجتماعی گذارده است عبارتند از: شرکت در میانجی‌گری و مصالحه خارج از دادگاه؛ شرکت در تحقیقات در جهت تشکیل پرونده شخصیت؛ ارائه پیشنهادهایی برای صدور احکام جایگزین به دادگاه؛ نظارت بر اجرای تصمیمات دادگاه؛ ارائه گزارش از چگونگی اجرای حکم؛ مراقبت پس از خروج

پلیس ویژه اطفال و نوجوانان: ماده ۵۳ لایحه مقرر می‌دارد: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطین در مورد افراد موضوع این قانون، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای که وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری ظرف حداکثر شش ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و پس از تصویب آن از سوی هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد، مشخص می‌گردد». ملاحظه مقررات لایحه خصوصاً ماده ۱۴ لایحه و تبصره ذیل آن حکایت از آن دارد که در این لایحه اساساً برای پلیس نقش و کارکردی لحاظ نشده است و در ماده ۱۴ داسرا نیز به کنار گذاشته شده است، در تبصره نیز مقرر شده است که بی‌درنگ

متهم را به دادرسی یا دادگاه اطفال تحویل دهند. هرچند که پیش‌بینی اختیارات بدون ضابطه برای پلیس به تحدید حقوق دفاعی متهم خواهد انجامید و قابل پذیرش نمی‌باشد، اعمال محدودیت برای پلیس از طریق مقررات قانونی، به منزله عدم بهره‌مندی از ظرفیت موجود در نیروی پلیس در راستای ترمیمی نمودن دادرسی اطفال گردیده و مانع ایفای نقش مؤثر و سازنده آن‌ها در تحقق مصالح و منافع عالی کودک و نوجوانان خواهد بود. این در حالی است که سایر کشورها همواره از ظرفیت پلیس خصوصاً در جرائم ارتكابی از سوی کودکان و نوجوانان به ویژه در جرائم کم اهمیت و خرد در راستای قضازدایی استفاده شده است.

کانون اصلاح و تربیت: فصل چهارم لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به کانون اصلاح و تربیت اختصاص یافته است. ماده ۴۸ لایحه به ایجاد کانون‌ها در مراکز استان و در صورت ضرورت در سایر مناطق کشور اشاره دارد و طرز تشکیل، کیفیت اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان، طبقه‌بندی و سایر امور مربوط به آن‌ها را به آیین‌نامه‌ای محول نموده است که بر اساس ضوابط لایحه و پیشنهاد سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

آیین دادرسی

الف. تعقیب جرم و تحقیقات مقدماتی:

به منظور حفظ بی‌طرفی دادگاه و تأمین حقوق دفاعی متهم باید مراجع تعقیب، تحقیق و رسیدگی به صورت مجزا پیش‌بینی گردند. در این لایحه مقررات ماده ۱۴ به‌گونه‌ای است که در راستای یکی شدن مرجع تعقیب و تحقیق با مرجع رسیدگی گام برداشته است. مطابق ماده ۱۴: «کلیه اقدامات اعم از تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به شرط آن‌که مجازات قانونی آن‌ها فقط حبس کمتر از سه سال بوده و یا جرم از نوع منافی عفت باشد، رأساً توسط دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که بر طبق قانون به عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است، انجام می‌دهد». این ماده با توجه به تأکید اسناد بین‌المللی حقوق کودک که دادرسی رسمی را به موارد ضروری محدود نموده^{۱۵}، در جهتی مغایر با آن مقرر شده است؛ تمامی جرائم که مستوجب حبس کمتر از سه سال می‌باشد به دادگاه ارجاع شود و در فرآیند رسمی رسیدگی قرار گیرد. طیف وسیعی از جرائم در قلمرو بزهکاری اطفال مستوجب حبس تا سه سال است که می‌توان با تدوین مقررات دقیق در مراجع ماقبل دادرسی رسمی هم‌چون پلیس و دادرسی به آن‌ها خاتمه داد. این امر خصوصاً در جایی که دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل نشده باشد، با ایرادات جدی‌تری مواجه خواهد بود. به دلیل آن‌که قاضی دادگاهی که به جانشینی دادگاه اطفال رسیدگی را بر عهده دارد، از وقت و فرصت کافی برای اعمال آموخته‌ها و تجارب خود در راستای تأمین مصالح کودک و نوجوان برخوردار نخواهد بود و نتیجه عملی آن به لحاظ تراکم بیش از حد امور در دادگاه‌ها

ارجاع پرونده به مرجع انتظامی است، امری که به صراحت تبصره ماده ۱۴ حتی در جرائم مشهود نیز منع شده است. هرچند جرائم منافی عفت به علت ویژگی خاص خود و ارتباط آن با حیثیت خانوادگی کودکان و نوجوانان و تأکید بر بزه‌پوشی و در راستای جلوگیری از اشاعه آن قابل توجه است، ولی اقدام تدوین کنندگان لایحه در جرائم مستوجب حبس یا سه سال فاقد توجیه علمی و عملی و منطقی است.

اما این لایحه در راستای ترمیمی کردن عدالت کیفری در خصوص کودکان و نوجوانان گام‌هایی برداشته است که از آن جمله می‌توان به تعلیق تعقیب، موضوع ماده ۱۵ لایحه و تبصره آن اشاره کرد.^{۱۶} همچنین در ماده ۱۶ میانجی‌گری به عنوان ساز و کاری در راستای تحقق صلح و سازش به کار گرفته شده است که تحقق آن به صورت شایسته و نظام‌مند مستلزم تهیه آیین‌نامه‌ای است که فرآیند میانجی‌گری به ترتیبی که متضمن رعایت اصول عدالت ترمیمی باشد و از جمله مواجهه بزه‌دیده - بزه‌کار، ایجاد امکان مشارکت آن‌ها و حتی والدین آنان در حصول توافق و تصمیم‌گیری نهایی رعایت و اجرا شود (غلامی، ۱۳۸۵).

حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی: در خصوص حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی به اتهامات علیه کودکان و نوجوانان علی‌رغم تأکید اسناد بین‌المللی، لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان این موضوع را به سکوت برگزار نموده است و این در حالی است که یکی از چالش‌های فراروی حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در مقررات آیین دادرسی کیفری، نقش و میزان مداخله وکیل در این مرحله است. ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب را در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و تبصره ذیل آن از این منظر قابل انتقاد است.^{۱۷} لایحه در ماده ۲۴ مقرر نموده است: «در جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد یا مجازات قانونی آن بیش از خمس دیه کامل یا سه سال یا بیش از سه سال حبس (خواه به تنهایی یا توأم با مجازات‌های دیگر) باشد؛ دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌کند که وکیل برای او تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل، دادگاه برای متهم وکیل تسخیری تعیین می‌نماید». ملاحظه می‌گردد در این ماده از دادسرا و مرحله تحقیقات مقدماتی نامی برده نشده است و در سایر مقررات لایحه نیز در این خصوص تصریحی به عمل نیامده است. ماده ۳۱ لایحه عنوان می‌دارد: «رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان بر طبق مقررات این قانون انجام می‌شود و در غیر موارد مذکور در این قانون تابع مقررات عمومی آیین دادرسی است». رجوع به مقررات آیین دادرسی کیفری در این خصوص با توجه به حاکمیت ماده ۱۲۸ و تبصره ذیل آن با تعهدات بین‌المللی و رهنمودهای اسناد بین‌المللی حقوق کودک^{۱۸} مغایر به نظر می‌رسد و شایسته است در این خصوص اصلاحات لازم معمول گردد.

صدور قرار بازداشت موقت: تأکید پیمان‌نامه حقوق کودک و اسناد بین‌المللی حقوق بشری در قلمرو حقوق کودک، مقررات پکن و قواعد حداقل سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، صدور قرار بازداشت موقت را به عنوان آخرین راه چاره، برای شدیدترین جرائم و کوتاه‌ترین زمان ممکن در نظر گرفته است. ماده ۱۸ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان مقرر نموده است: در صورت عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه و یا در جرائم علیه امنیت و یا جرمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان یا مجازات قانونی آن بیش از خمس دیه کامل و یا بیش از سه سال حبس است، دادسرا یا دادگاه در موارد ذیل قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر می‌کند: احتمال از بین رفتن آثار و دلایل جرم؛ تبانی متهم با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه؛ احتمال جلوگیری از ادای شهادت شهود؛ بیم فرار یا محقی شدن متهم. تبصره- قرار نگهداری موقت، تابع کلیه آثار و احکام قرار بازداشت موقت می‌باشد.

درخصوص این ماده نکات قابل تأملی به نظر می‌رسد که شایسته است به بررسی آن‌ها پرداخته شود: نخست این‌که: ضمانت اجرای عدم معرفی کفیل یا عدم تودیع وثیقه در مقررات دادرسی کیفری، بازداشت موقت نیست و به محض تودیع وثیقه یا معرفی وکیل و احراز اعتبار، کفیل دادگاه مکلف به قبولی قرار و آزاد کردن متهم است.^{۱۹} در این لایحه با حرف ربط «و» عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه به جرمی مرتبط شده است که با رعایت شرایط چهارگانه مذکور در این ماده بازداشت موقت یا نگهداری موقت طفل یا نوجوان را مقرر نموده و از این حیث قابل تأمل و شایسته اصلاح است.

دوم این‌که: جرائم احصاء شده در این ماده بسیار متنوع و گسترده است. جرائم علیه امنیت که قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در برخی از عناوین به جرم‌انگاری موسع دست زده است^{۲۰} و همچنین جرمی که مجازات قانونی آن بیش از خمس دیه کامل است، در راستای عمل به تعهدات بین‌المللی و همسو با رویه جهانی در خصوص دادرسی کودکان و نوجوانان نمی‌باشد. دیه مجازات قانونی برای جرائم غیرعمدی است و در این موارد سوءنیت مجرمانه و سبق تصمیم بر ارتکاب جرم وجود ندارد تا بازداشت (نگهداری موقت) مرتکب توجیه قانونی و منطقی یابد.

رسیدگی و صدور رأی

اتخاذ تصمیم در خصوص اطفال و نوجوانان چنان‌چه مبتنی بر شناخت دقیق از شخصیت، ویژگی‌های اجتماعی، خانوادگی، روانی، پزشکی و چگونگی ارتکاب جرم و ریشه‌یابی علل گرایش به ارتکاب جرم با استفاده از نظرات متخصصان و بهره‌مندی از همکاری مددکاران اجتماعی و مشاوران تربیتی باشد، در راستای تحقق مصالح و منافع عالی کودکان و نوجوانان و تأمین اهداف دادرسی ویژه

کودکان و نوجوانان خواهد بود. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در این راستا اقدامات شایسته‌ای انجام داده است که انجام تحقیقات در خصوص وضع جسمانی و روانی طفل یا نوجوان و والدین وی و وضع خانوادگی و محیط معاشرت که ماده ۲۲ آن را تجویز نموده از این دست می‌باشد. همچنین حضور مشاوران در دادگاه و بهره‌مندی از خدمات مددکاران اجتماعی در جهت اتخاذ تصمیمی عادلانه و تأمین اهداف مذکور می‌باشد.

حضور مشاوران و کسب نظرات آن‌ها: ماده ۷ لایحه مقرر نموده است: «مشاوران دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم روان‌شناسی و تربیتی، مددکاران اجتماعی و دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناسی و تربیتی کودکان و نوجوانان (اعم از شاغل و بازنشسته) انتخاب می‌شوند. مشاوران برای مدت ۲ سال توسط رئیس کل دادگستری به این سمت تعیین می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است. هرگاه متهم اناث باشد، حضور یک مشاور زن در جلسات الزامی است. تبصره ماده ۵ لایحه مقرر نموده است که نظر مشاوران مشورتی است. علی‌رغم اهمیتی که مشاوران در دادگاه اطفال و نوجوانان دارند در مواد لایحه به چگونگی کسب نظر مشاوران، هیچ‌گونه اشاره‌ای نشده است. در ماده ۱۵ لایحه که از تعلیق تعقیب، ماده ۱۶ که بحث میانجی‌گری و ماده ۲۵ که تعویق صدور حکم را مد نظر قرار می‌دهد، شایسته است که دادگاه پس از کسب نظر مشاوران اقدام به صدور رأی یا اتخاذ تصمیم کند. همچنین در خصوص تعیین واکنش اجتماعی و کیفر متناسب که مواد ۳۲ و ۳۳ لایحه مقرر نموده‌اند، کسب نظر مشاوران در تناسب تصمیم با وضعیت کودک و نوجوان بسیار حائز اهمیت است، ولی با توجه به عدم صراحت مواد لایحه در این خصوص این نگرانی وجود دارد که کسب نظر مشاوران به حالت صوری و غیرواقعی تبدیل شده و یا موجبات تشتت رویه دادگاه‌ها را در کسب نظرات مشاوران فراهم آورد.

مشارکت یا معاونت کودکان و نوجوانان با اشخاص بزرگسال: مطابق ماده ۱۲ لایحه: «هرگاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود». وجود چنین ماده‌ای با مصالح عالی کودکان و نوجوانان سازگار نیست. به دلیل آن‌که در خصوص معاونت با توجه به پذیرش نظریه مجرمیت اکتسابی در حقوق کیفری ما و این‌که مجرمیت معاون وابسته به احراز جرم و مجرمیت مباشر می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۸۰ و محسنی، ۱۳۷۶)، هم‌چنین در جرائمی که مشارکت دو نفر را نیاز دارد، موجبات بلا تکلیفی و سرگردانی کودکان و نوجوانان فراهم می‌گردد. به نظر می‌رسد که در این خصوص رسیدگی یک‌جا به اتهامات با منافع کودکان و نوجوانان سخت‌تری دارد. قانون‌گذار فرانسه در ماده ۷ قانون مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان مقرر نموده است: «در مواردی که کودک یا نوجوانان با همکاری

بزرگسالان مرتکب جرمی شود به اتهامات تماس آن‌ها در دادگاه اطفال رسیدگی خواهد شد». ماده ۳۲ قانون مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان کشور لبنان، به گونه‌ای دیگر به رفع مشکل پرداخته است، مطابق این ماده: «چنانچه جرم یا جرائم مرتبط توسط طفل و یک یا چند نفر فرد بالغ ارتکاب شده باشد، طفل و فرد یا افراد بالغ به یک نحو تحت تعقیب، بازپرسی و آیین دادرسی در مقابل مقامات عادی قرار می‌گیرند، به طوری که نسبت به طفل باید تضمینات مربوط به دادرسی پیش‌بینی شده در این قانون به مورد اجرا گذارده شود». به نظر می‌رسد مقرر نمودن این موضوع که به اتهامات معاون یا شریک کودک و نوجوان یا معاونت و مشارکت آن‌ها در جرائم ارتكابی بزرگسالان در دادگاه اطفال و نوجوانان مورد رسیدگی واقع شود با منافع کودکان و نوجوانان سازگاری بیشتری دارد.

وکالت در دادگاه اطفال و نوجوانان: ماده ۲۴ لایحه درخصوص حضور وکیل مدافع در دادگاه اطفال و نوجوانان مقرر نموده است: «در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان، جرائمی که مجازات قانونی آن بیش از خمس دیه کامل یا سه سال یا بیش از سه سال حبس (خواه به تنهایی یا توأم با مجازات‌های دیگر) باشد، دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که وکیل برای او تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل، دادگاه برای متهم وکیل تسخیری تعیین می‌نماید. در جرائمی که مجازات قانونی آن جزای نقدی یا شلاق و یا کمتر از سه سال حبس باشد، ولی یا سرپرست قانونی طفل می‌تواند برای دفاع از او در دادگاه حاضر شده و یا وکیل تعیین نماید». در این ماده شایسته است که مجازات شلاق به علت گستردگی آن در مقررات کیفری ما در ردیف مواردی پیش‌بینی شود که دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری است. نکته قابل ذکر آن‌که مجازات قانونی دیه بیش از خمس دیه کامل در ردیف کیفرهایی است که در آن‌ها تعیین وکیل تسخیری الزامی است، لیکن مجازات شلاق که آثار ناگواری بر جسم و روان کودک و نوجوان دارد، نادیده انگاشته شده است. هرچند که در بند ۱ ماده ۳۳ لایحه مقرر گردیده است در مواردی که مجازات دیگری غیر از حبس باشد، دادگاه حکم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت تا یک‌سال یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا انجام خدمات عمومی به مدت یک سال را صادر می‌کند، لیکن به لحاظ حاکمیت دیدگاه‌های فقهی در مراجع قانون‌گذاری و نظارتی و نگرش به شلاق به عنوان کیفر تعزیری بیم آن وجود دارد که هم‌چنان کیفر شلاق در ردیف کیفرها باقی بماند. لذا شایسته است که در راستای حمایت از مصالح و منافع عالی کودک در مواردی که مجازات قانونی شلاق است، تعیین وکیل تسخیری - در صورت عدم تعیین وکیل از ناحیه ولی یا سرپرست قانونی - الزامی شود.

قابل گذشت بودن جرائم ارتكابی اطفال و نوجوانان: مطابق ماده ۳۰ لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان: «کلیه جرائم تعزیری و بازدارنده اطفال و نوجوانان موضوع این قانون، قابل گذشت است. در صورت گذشت شاکی، تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم متوقف می‌گردد». در این

ماده که در راستای رعایت مصالح و حمایت از کودک و نوجوان تدوین گردیده است، ضابطه حاکم بر جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت به فراموشی سپرده شده است. حق گذشت اصولاً به شاکی خصوصی و یا زیان دیده از جرم تعلق دارد و اوست که می‌تواند اعلام گذشت نماید (زراعت، ۱۳۸۵). ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی^{۲۱} نیز به گونه‌ای انتقادآمیز، اراده دادگاه را در موقوف شدن تعقیب متهم دخیل دانسته است. اما در این لایحه به گونه‌ای بی‌سابقه تمامی جرائم ارتكابی کودکان و نوجوانان را قابل گذشت اعلام نموده است و حال آن‌که در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و یا جرائم موضوع فصل چهارم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و پنجم تهیه و ترویج سکه قلب، آیا فرض وجود شاکی قابل تصور می‌باشد؟ و در این موارد چه شخص و یا اشخاصی شاکی محسوب می‌شوند؟ در جرائم مربوط به مواد مخدر، اعمال منافی عفت که به زعم جرم‌شناسان در ردیف جرائم بدون بزه دیده^{۲۲} محسوب می‌شوند، چه کسی شاکی محسوب می‌شود و قابل گذشت بودن در این موارد چگونه قابل تصور است؟

برخورد یکسان با نوجوانان ناکرده بزه و بزهکاران مکرر: جهت‌گیری کلی لایحه به سوی اعمال تخفیف نسبت به کودک و نوجوان و پرهیز از سخت‌گیری نسبت به آن‌ها می‌باشد، این دیدگاه از جهتی که درخصوص کودکان و نوجوانان ناکرده بزه و یا کسانی که برای اولین بار مرتکب جرم شده‌اند، قابل دفاع و توجیه است، اما درخصوص نوجوانانی که با توسل به شیوه‌های مختلف و با بزهکاری‌های مکرر امنیت اشخاص و اجتماع را دستخوش تهدید قرار داده و نیازمند اتخاذ شیوه‌هایی متفاوت و سخت‌گیرانه‌اند، قابل تأمل است. نکته قابل ذکر آن‌که در کشور انگلستان متعاقب قتل یک کودک و با افزایش موج بزهکاری نوجوانان مقامات این کشور به سوی عدالت کیفری سخت‌گیرانه‌ای البته با رعایت پیمان‌نامه حقوق کودک و اسناد بین‌المللی گام برداشته‌اند، در کشور فرانسه نیز چنین اصلاحاتی در مقررات به عمل آمده است. در کشور استرالیا به علت ارتکاب قتل یک زن باردار توسط یک نوجوان در حال رانندگی با خودرو مسروقه که منجر به سقط جنین زن باردار گردید، مقامات استرالیای غربی به اتخاذ تدابیری سخت‌گیرانه نسبت به نوجوانان دست زدند. شایان ذکر است که توسل به اقدامات و تدابیر سخت‌گیرانه به مفهوم اعمال کیفرهای شدید بر کودکان و نوجوانان نیست. در این کشورها تدابیر سخت‌گیرانه مگر در جرائم شدید و خشونت‌آمیز، بیشتر از جنس نظارت و اقدامات تأمینی بوده و با درگیر کردن والدین در این فرآیند و با ایجاد مسئولیت و تکلیف برای آن‌ها در جهت اهتمام به تربیت کودکان و نوجوانان و در راستای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان گام برداشته‌اند^{۲۳}.

نتیجه

بهره‌مندی از مقرراتی جامع، کارآمد و پیشرفته در قلمرو حقوق کیفری کودکان و نوجوانان مستلزم وجود پیش‌شرطها و تمهید مقدماتی است که بدون تحقق آنها، نیل به این هدف دشوار می‌نماید. یکی از این پیش‌شرطها توجه به واقعیات اجتماعی از یک سو و آمار قابل اتکاء در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان از سوی دیگر است. اما، وجود دیدگاه‌هایی که ابتدای آنها بیش از واقعیات جامعه بر رعایت موازین شرع و عدم وجود آمار قابل اتکاء در این زمینه، از چالش‌های جدی در راستای تحقق این شرط می‌باشد. پیش شرط دیگر، پای‌بندی به تعهدات بین‌المللی در قلمرو حقوق کودک و توجه به توصیه‌ها و رهنمودهای اسناد بین‌المللی در جهت رعایت مصالح و منافع عالی کودکان و نوجوانان است. تحقق این مهم با عنایت به درج حق شرط کلی بر کنوانسیون (پیمان‌نامه) حقوق کودک- به موجب قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲- بدین مضمون که «... مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد» دشوار می‌نماید. این اقدام ایران، البته مورد اعتراض کشورهای اتریش، دانمارک، فنلاند، ایرلند، آلمان، هلند، نروژ، پرتغال و سوئد قرار گرفته است که مطابق ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین در صورت اعتراض دولت‌ها حق شرط بی‌اثر خواهد شد (بلیخ، داور، پاسگر زیر نظر مصفا، ۱۳۸۳، ص ۹۸) و در نتیجه تمامی تعهدات مندرج در کنوانسیون پابرجا خواهند بود. چنین دیدگاهی نسبت به معاهدات هنجارآفرین و بین‌المللی حقوق بشری در کشور ما هم‌چنان دارای طرفدارانی است. مجلس شورای اسلامی در یکی از آخرین مصوبات خود در سال ۱۳۸۵ به تاریخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۵ که در روزنامه رسمی مورخه ۱۳۸۵/۱۲/۱۷ منتشر شده است، در تبصره ذیل ماده دو قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی مقرر نموده است: «از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات و معاهدات مغایر با منشور ملغی و فاقد اعتبار است». اقدام قانون‌گذار در بی‌اعتبار قلمداد نمودن معاهدات بین‌المللی در صورت مغایرت آنها با مقررات منشور پیش گفته، در حالی تحقق پذیرفته است که بسیاری از کشورهای جهان در راستای انطباق و هماهنگی هر چه بیشتر با اسناد و معاهدات بین‌المللی حقوق بشری تغییرات و اصلاحات لازم را در قوانین داخلی خود اعمال می‌کنند. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، اصلاحات لازم را در قوانین داخلی خود اعمال می‌کنند. لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، صرف‌نظر از وجود برخی ایرادات - که به اختصار مورد بحث قرار گرفت - در صورت انجام اصلاحات شایسته در آن و تصویب نهایی، گامی در راستای تحقق اهداف دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه و رعایت مصالح و منافع عالی کودکان و نوجوانان و در

عین حال انطباق با تعهدات بین‌المللی ناشی از تصویب و الحاق به کنوانسیون جهانی حقوق کودک محسوب می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. در این خصوص تبصره ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸ مقرر نمود: «به جرائم اطفال در دادگاه جزا به ترتیب مقرر در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار رسیدگی خواهد شد».
۲. «نظر به این‌که به موجب ماده ۱۹۴ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب شهریور ماه ۱۳۶۱ دادگاه‌های کیفری به دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ تقسیم شده‌اند و طبق ماده ۱۹۳ قانون مزبور رسیدگی به جرائم اشخاص به ترتیب مقرر در قانون یاد شده و در صلاحیت دادگاه‌های مذکور است و استفاده از مواد ۱۹۸ و ۲۱۷ قانون مزبور ملاک بر صلاحیت هر یک از دادگاه‌های مرقوم، کیفر قانونی پیش‌بینی برای جرم ارتكابی قطع نظر از خصوصیت و وضعیت متهمین می‌باشد و ماده ۲۶ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب مهر ماه ۱۳۶۱ مبنی بر میری بودن اطفال از مسئولیت کیفری در صورت ارتكاب جرم به معنای صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری ۲ در رسیدگی به کلیه اتهامات انتسابی به اشخاصی که طفل محسوب می‌شوند نیست، بنابراین در مواردی که جرائم ارتكابی اطفال (کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) از جمله جرائم موضوع ماده ۱۹۸ قانون مذکور و تبصره یک آن باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ صالح به رسیدگی است».
۳. برای مشاهده متن لایحه ارسالی به مجلس شورای اسلامی به پایگاه اطلاع رسانی قوه قضاییه به نشانی: <http://www.dadiran.ir/tabid/68/Default.aspx> مراجعه کنید.

4. Fair Trial

۵. بند ۱ ماده ۶ مقرر می‌دارد: «همه اشخاص حق دارند به دعوایشان به وسیله یک دادگاه مستقل و بی‌طرف که طبق موازین قانونی ایجاد شده باشد، به طور منصفانه، علنی در مهلتی معقول رسیدگی شود. دادگاه مزبور باید چه در خصوص اعتراضات مربوط به حقوق و الزامات مدنی اشخاص و چه درباره صحت هر نوع اتهام وارد بر آنان، در امور کیفری، اتخاذ تصمیم نماید. رای دادگاه باید به طور علنی اعلام شود، اما می‌توان - در صورتی که منافع صغار یا حمایت از حریم زندگی خصوصی اصحاب دعوا، یا در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که در شرایط خاص، خصیصه علنی بودن به ضرر عدالت خواهد بود، از حضور روزنامه‌نگاران و عموم مردم در جلسات دادرسی، جهت رعایت اخلاق و نظم عمومی یا حفظ امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، ممانعت به عمل آورد».

6 . The Best Interests of child

۷. برای اطلاع بیشتر ر . ک بند ۱ ماده ۳ همچنین، مواد ۹، ۱۸، ۲۱ و بند ۳ قسمت ب ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد.

8 "In all actions concerning children, whether undertaken by public or private social welfare institutions, courts of law, administrative authorities or legislative bodies, the best interests of the child shall be a primary consideration."

9 ." States Parties recognize the right of every child alleged as, accused of, or recognized as having infringed the penal law to be treated in a manner consistent with the promotion of the child's sense of dignity and worth, which reinforces the child's respect for the human rights and fundamental freedoms of others and which takes into account the

child's age and the desirability of promoting the child's reintegration and the child's assuming a constructive role in society."

۱۰. کمیته حقوق کودک بر اساس ماده ۴۳ کنوانسیون و به منظور بررسی پیشرفت کشورهای عضو در جهت تحقق تعهداتشان در قبال کنوانسیون (پیمان نامه) حقوق کودک تشکیل می‌گردد.

11. Cautioning

12. (b) No child shall be deprived of his or her liberty unlawfully or arbitrarily. The arrest, detention or imprisonment of a child shall be in conformity with the law and shall be used only as a measure of last resort and for the shortest appropriate period of time."

۱۳. کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی از نمایندگان مجلس در خواست نمود تا در جهت تسریع در فرایند تصویب این لایحه آن را مشمول اصل هشتماد و پنجم قانون اساسی قرار دهد که مورد موافق نمایندگان قرار نگرفت. (نقل از خبرگزاری ایسکا نیوز به نشانی:

<http://www.iscanews.ir/fa/ShowNewsItem.aspx?NewsItemID=120597>

۱۴. ماده ۳-۱۳۱. دادگاه جنایی با حضور رئیس و دو عضو دادرس تشکیل می‌شود.

تبصره: دادگاه جنایی در تمام حوزه‌های قضایی شهرستان تشکیل می‌شود و در صورت عدم امکان تشکیل، در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، رسیدگی به جرائم موضوع صلاحیت این دادگاه در نزدیک‌ترین دادگاه جنایی در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

ماده ۶-۱۳۱. جرائم زیر در دادگاه جنایی رسیدگی می‌شود: الف) جرائم مستوجب مجازات سلب حیات، ب) جرائم مستوجب مجازات قطع یا قصاص عضو، ج) جرائم مستوجب مجازات حداکثر بیش از سه سال حبس و حبس ابد، د) جرائم سیاسی و مطبوعاتی.

۱۵. قاعده ۱۱/۱ قواعد پکن «برخورد با بزهکاران، در موارد مقتضی، بدون توسل به محاکمه رسمی توسط مرجع دیصلاح مورد بررسی قرار خواهد گرفت».

۱۶. ماده ۱۵ لایحه: «در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها حبس کمتر از سه سال یا مجازات تعزیری دیگری غیر از حبس خواه به تنهایی یا توأم با مجازات‌های دیگر باشد، دادسرا یا دادگاه می‌تواند با ملاحظه شخصیت، منش، وضع اجتماعی و تحصیلی متهم و اوضاع و احوال وقوع جرم، تعقیب کیفری را به شرطی که متهم شاکی یا مدعی خصوصی نداشته باشد، حسب مورد موقوف یا از یک تا سه سال معلق نماید.

تبصره- دادسرا یا دادگاه ضمن صدور قرار تعلیق تعقیب به متهم تفهیم می‌نماید که اگر ظرف مدت مذکور در تاریخ صدور قرار یاد شده مرتکب جرم دیگری گردد، علاوه بر این جرم به اتهام سابق نیز تحت تعقیب قرار می‌گیرد».

۱۷. ماده ۱۲۸: متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.

تبصره- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین درخصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

۱۸. بند ب ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک: «دستگیری، بازداشت یا زندانی کردن کودک باید مطابق قانون و تنها به عنوان راه چاره و در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت پذیرد». هم‌چنین قاعده ۱۳/۱ قواعد پکن: «بازداشت موقت فقط به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت زمان ممکن به کار گرفته خواهد شد».

۱۹. ماده ۱۳۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «متهمی که در مورد او قرار کفایت را وثیقه صادر شده، در صورت عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، بازداشت خواهد شد».
۲۰. از جمله می‌توان به ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد».
۲۱. ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی: «جرائم مندرج در مواد ... جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف‌نظر نماید».

22. Victimless Crime

۲۳. برای مطالعه در این خصوص ر.ک. کتاب راهنمای سازمان ملل متحد در باب دادرسی ویژه نوجوانان ترجمه غیررسمی، سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی (PRI)، ۱۳۸۳، بررسی مورد استرالیا، هم‌چنین. پاک نهاد، امیر، رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۹، ۱۳۸۵ و مهرا، دکتر نسرین، ترمیمی شدن عدالت کیفری صفا در انگلستان وولز، علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری. انتشارات سمت، ۱۳۸۳. هم‌چنین. زندان از نگاه اندیشمندان. انتشارات شورای عالی توسعه قضایی، بخش سوم؛ دیدگاه‌های الغاگرایانه. نمودهایی از عدالت محاسبه‌گر در حقوق جزای نوباوگان، حسن کاشفی اسماعیل زاده.

منابع

۱. اردبیلی، م. ع.، (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر میزان، چاپ دوم.
۲. بلخ، ن و دیگران، (زمستان ۱۳۸۳). زیر نظر دکتر نسرین مصفا، طرح تقویت ظرفیت‌های آموزش و پژوهش حقوق بشر. کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، نشر گرایش.
۳. پاک‌نهاد، ا.، (۱۳۸۲). رویکرد نوین حقوق انگلستان به بزهکاری اطفال، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، شماره ۱۹.
۴. راب‌وایت، فیونا‌هنیس، (۱۳۸۱). درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه: میر روح الله صدیق بطحایی اصل. نشر دادگستر.
۵. زراعت، ع.، (تابستان ۱۳۸۵). گذشت در جرائم قابل گذشت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۵، سال هفتادم، دوره جدید.
۶. سیدفاطمی، م.ق.، (۱۳۸۸). حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ اول، تهران.
۷. شرح مذاکرات تدوین لایحه دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، شورای عالی توسعه قضایی.
۸. عباچی، م.، (۱۳۷۹). حقوق کیفری اطفال بزهکار در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، چاپ اول.
۹. غلامی، ح.، (زمستان ۱۳۸۵). عدالت ترمیمی، انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۰. گلدوست، ر. و سیداصفهان‌ی، ح.، (بهار - تابستان ۱۳۸۳). مرحله پیش از محاکمه در دادرسی ویژه نوجوانان، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۹.
۱۱. محسنی، م.، (۱۳۷۶). دوره حقوق جزای عمومی، مسئولیت کیفری، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

۱۲. محمودی جانکی، ف، (۱۳۸۴). حق دفاع متهم، گزیده مقالات برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران، جلد نخست، انتشارات سلسبیل.
۱۳. موذن زادگان، ح، (بهار ۱۳۸۳). دادرسی کیفری ویژه کودکان و نوجوانان، مجله ندای صادق، سال نهم.
۱۴. مهرا، ن، (پاییز و زمستان ۱۳۸۲). عدالت کیفری اطفال از منظر حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸.
۱۵. نجفی توانا، ع، (۱۳۸۲). نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی، انتشارات راه تربیت، تهران.